

## آیا خمس از شئونات ولی فقیه است؟

محمود ابراهیمی<sup>۱</sup>

### چکیده:

در این مقاله بر آن هستیم که در مورد این سؤال «آیا خمس از شئونات ولی فقیه است یا نه؟» بحث کنیم یعنی گرفتن خمس و مصرف آن به عهده چه کسی است؟ آیا بعهدده شخص ولی فقیه است؟ یا اینکه غیر ولی فقیه مانند مراجع عظام هم می توانند در گرفتن و هزینه کردن آن اجازه بدهند یا ندهند. بعد از بحث و ارائه دلائل به این نتیجه رسیدیم که خمس از شئونات ولی فقیه در زمان غیبت کبری و برقراری حکومت اسلامی است. همانطوری که در زمان حضور ائمه معصومین علیهم السلام بر عهده شخص امام علیه السلام بود.

**کلید واژه ها:** خمس، ولایت فقیه، ولی فقیه، اختیارات ولی فقیه، مراجع، عائله‌ی حکومت، صاحبان خمس.

---

<sup>۱</sup> - مدرس حوزه و دانشگاه

### آیا خمس از شؤونات ولی فقیه است؟

با صلوات و درود بر پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت آن حضرت مقاله ای که پیشرو داریم در مورد این است که آیا خمس از شؤونات ولی فقیه است یا نه؟ یعنی تمامی خمس باید به محضر ولی فقیه ارسال شده و با اجازه ولی فقیه به مصارف خودش برسد یا اینکه غیر از ولی فقیه مراجع عظام هم می توانند خمس را تحویل گرفته و طبق صلاح دید خود در مصارف خمس اجازه استفاده بدهند. انشاء الله سعی داریم با ادله این بحث را منقح کنیم.

قبل از ورود به بحث به چند نکته لازم است اشاره کنم:

الف) منظور از این بحث بی احترامی به مراجع عظیم الشان نیست زیرا که آنها حصون اسلام و تداوم بخش راه رسالت انبیاء و ائمه معصومین هستند.

ب) در بعضی از مقاطع تاریخی دیده شده است که افرادی به عنوان مرجع تقلید خمس اموال مردم را گرفته در غیر مصارف خود صرف کرده‌اند و یا اطرافیان آنها سوء استفاده‌هایی کرده‌اند لذا اگر خمس از طریق ولی امر مسلمین صرف می شد این سوء استفاده‌ها صورت نمی‌گرفت.

ج) اکثریت قریب به اتفاق مراجع عظام در خط اصیل انقلاب بوده و خمس را در مصارفی صرف کرده‌اند که اذن ولی فقیه هم در همان مورد بوده است ولی متأسفانه گاهی افرادی پیدا می‌شود که صددرصد در مقابل نظام اسلامی بوده و خمس را بر حلقوم دشمنان اسلام ریخته یا می‌ریزند در نتیجه لازم است که این بحث بصورت علمی منقح شده تا اینکه مردم در دام ضد انقلاب‌ها نیفتند. در این مقاله اثبات می‌کنیم که گرفتن خمس از شؤونات ولی فقیه بوده و باید اجازه او در مصارف خمس هزینه شود.

د) البته طبق آیه و روایات، قطعی است که خمس مال خدا و رسول خدا و امامان معصوم است و امامان معصوم هستند که اجازه استفاده یا عدم استفاده را صادر

می‌کنند. اما چگونه و به چه دلیل همین وظیفه بعهدہ ولی فقیه می باشد تا اجازه استفاده از خمس را صادر کند.

برای اثبات این مطلب دلایل ذیل را می توان آورد که عبارتند از:

الف) خمس بودجه ای است که خداوند برای اداره مملکت قرار داده است و اداره مملکت در زمان غیبت کبری به دست ولی فقیه می باشد. پس خمس باید طبق اجازه ولی فقیه هزینه شود. البته در زمانی که حکومت ولی فقیه در عمل به اجرا گذاشته شود مثل زمان فعلی ما که در رأس حکومت، ولی فقیه قرار دارد و اگر حکومت اسلامی برقرار نباشد فقهای جامع الشرایط عهده دار گرفتن خمس و هزینه آن هستند.

در حدیثی علی (ع) می فرماید: «و أما ما جاء فی القرآن من ذکر معایش الخلق و أسبابها فقد أعلمنا سبحانه ذلک من خمسة أوجه: وجه الامارة و وجه العماره و وجه الإجارة و وجه التجارة و وجه الصدقات فاما وجه الامارة فقله: «و اعلموا انما غنمتم من شيء...» فجعل لله خمس الغنائم و الخمس يخرج من اربعة وجوه من الغنائم التي يصيبها المسلمون من المشركين و من المعادن و من الكنوز و من الغروض؛ اما آنچه در قرآن از نحوه گذراندن و اسباب زندگی مردم آمده است پس البته خدای سبحان به ما در پنج وجه یاد داده است [که عبارتند از] وجه امارت، وجه آبادانی، وجه اجاره، وجه تجارت و وجه صدقات. اما وجه اماره و حکومت پس قول خدای متعال است که [فرمود] «واعلموا انما غنمتم من شيء...» پس خمس غنائم را برای خدا قرار داده است و خمس از چهار مورد بدست می آید از غنائمی که از مشرکین به دست مسلمانان می رسد، از معادن، از گنج و از درّهای دریائی».

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۴۱، باب دوم از ابواب ما یجب فیه الخمس.

ب) تمام دلائل عقلی و نقلی که در بحث اثبات ولی فقیه می آید دلیل بر این است که اختیارات حکومت پیامبر و ائمه معصومین (ع) از آن ولی فقیه است که در اینجا بخاطر اطاله کلام آورده نمی شود ولی از باب نمونه قطعه ای از وصیت نامه حضرت امام (رض) را نقل می کنیم «و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داود و پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می کردند از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است».

اما ادله ای که می توان برای اثبات موضوع یعنی خمس از شئونات ولی فقیه است آورد عبارتند از:

۱- آیه ۴۱ سوره انفال (۸)

۲- احادیثی که وجوب خمس را بیان می کند به این مطلب پرداخته اند که خمس حق ما اهل بیت است.

۳- روایات عفو

۴- روایاتی که دلالت می کند بر اینکه استفاده کردن از خمس بدون اجازه امام حرام است.

۵- مشروعیت تمام ابعاد زندگی و نظام انسانی با تنفیذ ولی فقیه است. زیرا ولی فقیه ولایت مطلقه است پس در مسائل خمس هم باید ولایت داشته باشد.

۶- خمس یکی از منابع مالی حکومت اسلامی است که باید با اجازه ولی فقیه در اداره مملکت هزینه شود.

دلیل اول: آیه ۴۱ انفال «واعلموا أنّما غنمتم من شیء فإنّ خمسَهُ و للرسول و لذی القربى و الیتامی و المساکین و ابن السبیل ان کنتم آمنتم بالله و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کلّ شیء قدیر» (انفال ۴۱/۸) ؛ و بدانید آنچه از اشیاء

و اموال به غنیمت بردید پس مسلم است که یک پنجم آن از آن خدا و از آن فرستاده او و از آن خویشاوندان رسول و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود در روز جدایی (حق از باطل) روزی که آن دو گروه (مسلمین و مشرکین در بدر) درگیر شدند نازل کردیم، ایمان آورده اید و خداوند بر همه چیز تواناست».

در این آیه از جهات مختلف می توان استفاده کرد که خمس فقط از آن پیامبر و اهلیت آن حضرت است و منحصر بودن خمس در آن بزرگواران نه بخاطر شخصیت حقیقی است بلکه بلحاظ شخصیت حقوقی است یعنی چون ولی خدا و مجریان دستورات خدا و به عنوان حاکمان اسلامی هستند خمس در اختیار آنها قرار می گیرد و در زمان غیبت کبرای امام زمان علیه السلام این ولایت و حاکمیت به ولی فقیه داده شده است پس در زمانی که حکومت ولی فقیه برقرار است خمس هم به آن تعلق پیدا می کند تا در مصارفش هزینه شود.

دلایل و قرائنی که در آیه نشان از این است که خمس مال خدا و رسول خدا و اهلیت است عبارتند از:

الف) جمله (فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ ....) یعنی خمس مال خدا و رسول خدا و ذی القربی است و بقیه موارد مثل یتیمان، مساکین و ابن سبیل جزء عائله های حاکمان اسلامی هستند همانطوری که در حدیث آمده است.

عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ «سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى - فَقِيلَ لَهُ فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَلِمَنْ هُوَ فَقَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص - وَ مَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَهُوَ لِلْإِمَامِ فَقِيلَ لَهُ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ صِنْفٌ مِنَ الْأَصْنَافِ أَكْثَرَ وَ صِنْفٌ أَقَلٌّ مَا يُصْنَعُ بِهِ قَالَ ذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ أَرَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص كَيْفَ يُصْنَعُ أَلَيْسَ إِنَّمَا كَانَ يُعْطَى عَلَى مَا يَرَى كَذَلِكَ الْإِمَامُ (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۵۱۹)؛ از امام رضا علیه السلام در مورد آیه ۴۱ انفال پرسیده شده و برای حضرت گفته شد آن قسمتی

از خمس که مال خداست از آن کیست؟ حضرت فرمود برای رسول خدا (ص) است و آنچه که برای رسول خداست پس برای امام علیه السلام است به حضرت گفته شد که نظرت چیست در مورد صنفی که از اصناف دیگر بیشتر است و صنفی کمتر است پس چگونه عمل می شود؟ حضرت فرمود که این تقسیم با نظر امام صورت می گیرد آیا نمی دانی که رسول خدا چگونه انجام می داد. آیا اینچنین نبود که به عقیده و نظر خودش عمل می کند همین سبک را امام علیه السلام انجام می دهد».

ب) احادیثی داریم که به عائله بودن یتیمان و مساکین و ابن سبیل برای حاکمان اسلامی تصریح کرده است که عبارتند از:

۱- «عن ابی عبدالله (ع): أنه سئل عن قول الله: «واعلموا أنما غنمتم من شيء فإن لله خمسه...» فقال: خمس الله عزو جل للإمام و خمس الرسول للإمام و خمس ذی القربی لقرباه الرسول للإمام والیتامی آل الرسول و المساکین منهم و ابناء السبیل منهم فلا یخرج منهم الی غیرهم (وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۰)؛ از امام صادق (ع) نقل شده است که از آن حضرت در مورد آیه خمس پرسیده شد پس آن حضرت فرمود خمس خدای متعال و پیامبر اسلام برای امام است و خمس ذی القربی که از اقربای پیامبر اسلام (ص) است برای امام است و یتیمان، یتیمان پیامبر و مساکین و در راه ماندگان هم از خاندان پیامبر اسلام خواهد بود و از بین اینها به دیگری سرایت نمی کند» و در حدیث دیگری مطلب مورد نظر آمده است ولی در مورد مساکین و ابناء السبیل فرموده است که صدقه مال آنهاست. حدیث چنین است: «عن ابی عبدالله ع أنه سأل عن قول الله عزَّ وَّ جَلَّ وَّ اعلموا أنما غنمتم من شيء فإن لله خمسه و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل - فقال أمَّا خمسُ الله عزَّ وَّ جَلَّ فللرسول یضعه فی سبیل الله و أمَّا خمسُ الرسول فلاقاربه و خمسُ ذوی القربی فهم اقرباؤه و الیتامی یتامی أهل بیته فجعل هذه الأربعة أسهم فیهم و أمَّا المساکین و ابن السبیل فقد عرفت أننا لا نأكل الصدقة و لا تجل لنا فهي للمساکین و ابناء السبیل؛ راوی از امام

صادق علیه السلام از قول خدای متعال «واعلموا أنّما...» پرسید حضرت فرمود: خمس خدای عز و جل پس برای رسول الله است که در راه خدا قرار می دهد و اما خمس پیامبر اسلام پس برای نزدیکانش می باشد و خمس ذوی القربی پس آن هم برای اقربای پیامبر اسلام هستند و یتیمان، یتیمان اهل بیت هستند پس خدای متعال سهم این چهار گروه را در بین اقرباء پیامبر قرار داده است و اما مساکین و ابن سبیل پس البته که شناختی همانا ما صدقه نمی خوریم و برای ما حلال نیست. پس صدقه مال مساکین و در راه ماندگان است».

و در تفاسیر آمده است که منظور از الیتامی و المساکین و ابن السبیل چه کسانی هستند؟ «والیتامی و المساکین و ابن السبیل من بنی هاشم عند جلّ اصحابنا و به اخبار(الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، عاملی علی بن حسین. ) ؛ پیش اکثر اصحابمان یتیمان و مساکین و در راه ماندگان از بنی هاشم هستند و بر این مطلب اخباری وجود دارد».

و نیز آمده است «ثُمَّ بَيَّنَّ سَبْحَانَهُ حَكْمَ الْغَنِيمَةِ وَ هُوَ أَنْ يَقْسَمَ عَلَيَّ سِتَّةَ أَصْهُمٍ: فَسَهْمُ اللَّهِ وَ سَهْمُ لِلرَّسُولِ وَ هَذَا مِنْ أَصْهُمَانِ مَعَ سَهْمِ ذِي الْقُرْبَى لِلْإِمَامِ الْقَائِمِ مَقَامَ الرَّسُولِ (ص) وَ سَهْمُ لِإِتَامَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْمٌ لِمَسَاكِينِهِمْ وَ سَهْمٌ لِأَبْنَاءِ سَبِيلِهِمْ لِأَيْشِرْكَهُمْ فِي ذَلِكَ غَيْرَهُمْ لِأَنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ حَرَّمَ عَلَيْهِمُ الصَّدَقَاتِ لِكُونِهَا أَوْسَاخَ النَّاسِ وَ عَوَضَهُمْ مِنْ ذَلِكَ(الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، دخیل علی من محمد علی.)؛ سپس خدای سبحان حکم غنیمت را بیان کرده است و آن بر شش سهم تقسیم می شود پس سهمی برای خدا و سهمی برای رسول و این دو سهم با سهم ذی القربی برای امامی است که قائم مقام رسول (ص) شده است و سهمی برای یتیمان آل محمد و سهمی برای مساکین آنها و سهمی برای فرزندان آل محمد که در راه مانده اند که غیر اینها کسی در آن سهمها شریک نمی شود بخاطر اینکه خدا صدقات را بر آنها حرام کرده است زیرا که صدقات از اوساخ مال مردم است و خدا خمس را به جای صدقات قرار داده است»

البته برای اینکه اطاله کلام نباشد احادیث دیگر را نقل نمی کنیم و فقط به دادن آدرس اکتفا می کنیم «باب ۱ از ابواب قسمه الخمس احادیث ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۹».

و در تفسیر دیگری آمده است «ولکن عندنا الامامیه یختصّ بالیتامی والمساکین و ابن السبیل من بنی هاشم انتهى» (مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، حائری تهرانی میر سید علی، شیخ، ج ۵، ص ۹۳)؛ اما پیش ما امامیه ایتامی و مساکین و ابن سبیل از طایفه بنی هاشم است». نتیجه این بحث این است که بعد از امامان معصوم علیهم السلام طبق آیه و احادیث وظیفه ولی فقیه است که عهده دار مسائل خمس باشد و بر مردم هم لازم است که خمس را در اختیار ولی فقیه بگذارید تا در مصارفی که لازم است هزینه کنند.

#### دلیل دوم: امامان علیهم السلام فرموده اند که خمس حق ما اهل بیت است

در مقدمه آوردیم که این حق بعنوان حق ولایت به اهل بیت پیامبر اسلام تعلق دارد و بعد از امامان هم حق ولایت برعهده ولی فقیه است احادیث این دلیل عبارتند از: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَ مَا أَيْسَرُ مَا يَدْخُلُ بِهِ الْعَبْدُ النَّارَ قَالَ مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ دِرْهَمًا وَ نَحْنُ الْيَتِيمُ (وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۸۳)؛ از ابی بصیر گفت به ابو جعفر (ع) گفتم کمترین چیزی که انسان با آن به آتش جهنم وارد می شود چیست؟ حضرت فرمود: هر کس از مال یتیم درهمی را بخورد و ما یتیم هستیم».

«قَالَ الصَّادِقُ عَ إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لَمَّا حَرَّمَ عَلَيْنَا الصَّدَقَةَ أَنْزَلَ لَنَا الْخُمْسَ فَالْصَّدَقَةُ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَ الْخُمْسُ لَنَا فَرِيضَةٌ وَ الْكَرَامَةُ لَنَا حَلَالٌ (همان)؛ امام صادق (ع) فرمود: همانا خدائی که جز او معبودی نیست وقتی که صدقه را برای ما حرام کرد خمس را بر ما نازل کرد پس صدقه برای ما حرام و خمس برای ما واجب است و کرامت برای ما حلال است».

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ فِي حَدِيثٍ قَالَ لَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقَّنَا (همان، ص ۴۸۴) ابی بصیر از ابو جعفر (ع) نقل می کند که

حضرت فرمود: بر هیچکس حلال نیست از خمس چیزی را بخرد مگر اینکه حق ما به ما برسد».

«عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ قَرَأْتُ عَلَيْهِ آيَةَ الْخُمْسِ فَقَالَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِرَسُولِهِ - وَ مَا كَانَ لِرَسُولِهِ فَهُوَ لَنَا ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ لَقَدْ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ أَرْزَاقَهُمْ بِخُمْسِهِ ذَرَاهِمَ جَعَلُوا لِرَبِّهِمْ وَاحِدًا وَ أَكَلُوا أَرْبَعَهُ أَحِلَاءَ ثُمَّ قَالَ هَذَا مِنْ حَدِيثِنَا صَعْبٌ مَسْتَصَعَبٌ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ لَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ إِلَّا مُتَمَحِّنٌ قَلْبُهُ لِيَأْمَانَ (همان، ص ۴۸۵). از امام موسی بن جعفر نقل شده است که راوی می گوید: من آیه خمس را قرائت کردم پس حضرت فرمود: آنچه که برای خداست مال رسول خداست و آنچه که مال رسول خداست پس آن برای ماست سپس فرمود: قسم به خدا که البته برای مؤمنان پنجم سهم روزی قرار داده است که یک قسم برای خدا باشد و چهار قسم را بصورت حلال بخورند سپس فرمود این مطلب از حدیث ما سخت و سختتر است که عمل نمی کند به آن و بر آن صبر نمی کند مگر کسی که قلبش برای ایمان امتحان داده شده است».

از این احادیث نتیجه می گیریم که دخل و تصرف در خمس باید از طریق امامان معصوم علیه و در ادامه از طریق ولی فقیه باید صورت بگیرد.

### دلیل سوم:

روایات عفو و یا حلّ

امامان معصوم به عنوان ولی خدا می توانستند و می توانند قسمتی از خمس یا همه آن را بطور موقت یا دائم عفو کنند و در زمان غیبت کبرای امام زمان هم کسی که ولایت امامان را به عهده دارد می تواند بخاطر مصالح جامعه در بعضی موارد حق ولایت را مورد عفو قرار دهد. البته اختیارات امامان معصوم با اختیارات ولی فقیه متفاوت است اما منظور ما از این دلیل این است که غیر ولی نمی تواند حتی بطور موقت تحلیل و عفو و یا مصالحه کند. احادیث فراوانی در این مورد است که امامان معصوم تحلیل خمس را به خودشان نسبت داده اند.

در کتاب گران سنگ و سائل باب مستقلی تحت عنوان بابُ إِبَاحَهُ حِصَّةِ الْإِمَامِ مِنْ الْخَمْسِ لِلشَّيْعَةِ مَعَ تَعَدُّرِ إِيصَالِهَا إِلَيْهِ و عدم احتیاج السَّادَاتِ وَ جَوَازِ تَصَرُّفِ الشَّيْعَةِ فِي الْأَنْفَالِ وَ الْفَيْءِ وَ سَائِرِ حُقُوقِ الْإِمَامِ مَعَ الْحَاجَةِ وَ تَعَدُّرِ الْإِيصَالِ؛ آمده است که در این باب ۲۲ حدیث جمع آوری شده است که چند حدیث را در ذیل ذکر می کنیم.

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ هَلَكَ النَّاسُ فِي بُطُونِهِمْ وَ فُرُوجِهِمْ لِأَنَّهُمْ لَمْ يُؤَدُّوا إِلَيْنَا حَقَّنَا أَلَا وَ إِنَّ شَيْعَتَنَا مِنْ ذَلِكَ وَ آبَاءَهُمْ فِي حِلِّ (وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۳). مردم بخاطر شکمها و فروجشان هلاک شدند زیرا حق ما را ادا نکردند و بدان که شیعه ما و پدرانشان در مورد حق ما در حلیت هستند».

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ قَرَأْتُ فِي كِتَابِ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَ مِنْ رَجُلٍ يَسْأَلُهُ أَنْ يَجْعَلَهُ فِي حِلٍّ مِنْ مَأْكَلِهِ وَ مَشْرَبِهِ مِنَ الْخُمْسِ فَكَتَبَ بِخَطِّهِ مَنْ أَعُوذُ بِهِ مِنْ حَقِّي فَهُوَ فِي حِلِّ (همان). علی بن مهزیار گفت: در کتاب ابی جعفر (ع) خواندم در مورد مردی که در خوراک و نوشیدنی هایش حلیت خواسته بود پس حضرت با دست و خطش نوشت کسی که از حق من قسمتی را برداشته است پس آن در حلیت است».

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ أَتَدْرِي مِنْ أَيْنَ دَخَلَ عَلَى النَّاسِ الزُّنَا فَقُلْتُ لَا أَدْرِي فَقَالَ مِنْ قِبَلِ خُمْسِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ - إِلَّا لِشَيْعَتِنَا الْأَطْيَبِينَ فَإِنَّهُ مُحَلَّلٌ لَهُمْ وَ لِمِيْلَادِهِمْ (همان). امام صادق (ع) فرمود آیا می دانی زنا از کجا وارد مردم می شود راوی گفت نمی دانم. حضرت فرمود از طریق خمس ما اهل بیت مگر شیعیان پاک پس همانا خمس برای آنها و اولادشان حلال است».

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ قَالَ رَجُلٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ حَلَّلَ لِي الْفُرُوجَ فَفَزِعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ لَيْسَ يَسْأَلُكَ أَنْ يَعْتَرِضَ الطَّرِيقَ إِنَّمَا يَسْأَلُكَ خَادِمًا يَشْتَرِيهَا أَوْ امْرَأَةً يَتَزَوَّجُهَا أَوْ مِيرَاثًا يُصِيبُهُ أَوْ تِجَارَةً أَوْ شَيْئًا أُعْطِيَهُ فَقَالَ هَذَا لِشَيْعَتِنَا حَلَالٌ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ وَ الْمَيِّتِ مِنْهُمْ وَ الْحَيِّ وَ مَا يُوَلَّدُ مِنْهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَهُوَ حَلَالٌ أَمَا وَ اللَّهُ لَا يَحِلُّ إِلَّا لِمَنْ أَحَلَّنَا لَهُ وَ لَا وَ اللَّهُ مَا أُعْطِينَا أَحَدًا ذَمَّةً (وما عندنا لإحدٍ عهدٌ) - وَ لَا لِأَحَدٍ عِنْدَنَا مِيثَاقٌ (همان، ص ۵۴۴). راوی می گوید در حالی که من حاضر بودم کسی گفت زناشویی

را برایم حلال کن در این حال امام صادق (ع) ناراحت شد. مردی به حضرت گفت در حالی که سؤال کننده از شما نمی خواهد که راه را مورد اشاره قرار دهی بلکه می خواهد در مورد خادمی که خریده و زنی که ازدواج کرده و ارثی که برایش رسیده و تجارت و چیزی که برایش عطا شده سؤال کند. پس حضرت فرمود: اینها به شیعیان ما حلال است چه حاضر باشند و چه غایب، مرده باشند یا زنده و کسانی که از شیعیان تا قیامت متولد می شوند پس این موارد برای آنها حلال است بدان که قسم بخدا اینها حلال نیست مگر به کسانی که حلالشان کردیم: قسم به خدا ما به کسی ذمه و عهدی را نبخشیدیم و برای هیچکس پیش ما عهدی نیست».

«عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ إِنَّ أَشَدَّ مَا فِيهِ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ خُمُسِي وَ قَدْ طَيَّبْنَا ذَلِكَ لَشِيعَتِنَا لِطَيِّبِ وِلَادَتِهِمْ وَ لَتَزَكُوْا أَوْلَادُهُمْ (همان). یکی از صادقین (ع) فرمود: همانا شدیدترین حالت برای مردم در روز قیامت این است که صاحب خمس روز قیامت بلند شود و بگوید پروردگارا خمس من چه شد؟ در حالی که ما خمس را بر شیعیانمان حلال کردیم تا اینکه ولادتشان پاک و اولادشان تزکیه شود».

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ النَّاسُ كُلُّهُمْ يَعِيشُونَ فِي فَضْلِ مَظْلَمَتِنَا إِلَّا أَنَا أَحَلَّلْنَا شِيعَتَنَا مِنْ ذَلِكَ (همان، ص ۵۶۶). از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: مردم همه در سایه ما زندگی می کنند الا اینکه ما فقط به شیعیان خودمان خمس را حلال کردیم».

«عَنْ حَكِيمِ مَوْذَنْ بَنِي عَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ خُمُسُهُ وَ لِلرَّسُولِ - قَالَ هِيَ وَ اللَّهُ الْإِفَادَةُ يَوْمًا بِيَوْمٍ إِلَّا أَنَّ أَبِي جَعَلَ شِيعَتَنَا مِنْ ذَلِكَ فِي حَلِّ لِيَزَكُوا (همان). حکیم مؤذن می گوید از امام صادق (ع) در مورد آیه خمس پرسیدم؟ حضرت فرمود: قسم به خدا غنیمت سود دهی روز بروز

است آلا اینکه البته پدرم شیعیانمان را در مورد عنیمت در حلیت قرار داده است تا اینکه ولادتشان پاک شود».

در این احادیث که لفظ شیعه آمده است نشانگر این است که مسأله خمس مربوط به جایگاه ولایتی و حکومتی آنهاست زیرا شیعه ی مورد نظر کسی است که علاقه مند و پیرو امامت و ولایت علی علیه السلام و اولاد معصوم آن حضرت است پس حلال کردن و عفو کردن مربوط به حق حکومت است و حق حکومت هم در زمان غیبت کبری مربوط به ولایت فقیه است.

#### دلیل چهارم:

روایاتی که دلالت می کند بر اینکه استفاده کردن از خمس بدون اجازه امام(ع) حرام است.

این روایات هم بیانگر این نکته است که اجازه از امام (ع) در مورد استفاده از خمس مربوط به حق امامت امام (ع) است و حق امامت و رهبری هم در زمان غیبت کبری مربوط به کسی است که حق ولایت دارد و حق ولایت هم از آن ولی فقیه است پس غیر ولی فقیه نمی تواند اجازه استفاده را بدهد.

در توقیعی از امام زمان (ع) چنین آمده است: «لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين علی من اكل من مالنا درهماً حراماً» (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۷۷). لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی که درهمی از مال ما را بطور حرام بخورد».

در حدیث دیگری آمده است «وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ مَنْ يَسْتَحِلُّ مَا فِي يَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا وَ يَتَصَرَّفُ فِيهِ تَصَرُّفَهُ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مُلْعُونٌ وَ نَحْنُ خَصْمَاوَهُ (همان).) امّا آنچه که در مورد آن پرسیدی از کار کسی که از اموال ما که در دستش است حلال کند و در آن تصرف کند همانند تصرف مال خودش بدون اجازه ما، پس هر کس بدون اجازه ما در مال ما تصرف کند پس او ملعون است و ما دشمنان او هستیم».

## دلیل پنجم:

مشروعیت تمام ابعاد زندگی و نظام انسانی با تنفیذ ولی فقیه است زیرا ولایت ولی فقیه ولایت مطلقه است پس در مسائل خمس هم باید ولایت داشته باشد و مسأله خمس مسأله خیلی مهمی است زیرا از یک طرف به مردم و از طرف دیگر به حکومت و اداره جامعه مربوط است پس باید زیر نظر ولی فقیه باشد.

در تعریف ولایت فقیه چنین آورده اند: «ولایت فقیه در چارچوب قوانین الهی اعم از فرعی، ثانوی و حکومتی را «ولایت فقیه» می نامند». (جمعی از نویسندگان زیر نظر محمود فتحعلی، درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، ص ۱۵۱)

دایره احکام حکومتی آنقدر وسیع است که بطور حتم موضوع خمس را هم در بردارد و بنظر امام (رض) احکام حکومتی خودش از احکام اولیه است و مقدم بر فروع است. امام می فرماید: «باید عرض کنم حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است یکی از احکام اولیّه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است». (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۰-۱۷۱ به نقل از حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیدمحمد هاشمی، ج ۲، ص ۶۳).

فتوای خیلی از فقهای بزرگ این است که ولی فقیه در جمیع مسائلی که نیابت بردارست از امام معصوم علیه السلام نیابت دارد مثل محقق کرکی «اتفق أصحابنا رضوان الله علیهم علی أن الفقیه العدل الامامی الجامع الشرائط الفتوی المعبر عنه بالمجتهد فی الاحکام الشرعیة نائب من قبل ائمة الهدی صلوات الله و سلامه علیهم فی حال الغیبة فی جمیع ما للنیابة فیه مدخل فیجب التحاکم الیه و الانقیاد الی حکم» (رسائل المحقق الکرکی، ج ۱، ص ۱۴۲)؛ اصحاب ما اجماع و اتفاق کرده اند بر اینکه همانا فقیه عادل امامی که جامع شرایط فتوا است که از آن به مجتهد احکام شرعیه تعبیر آورده می شود. از طرف ائمه هدی (ع) در زمان غیبت نائب باشد در تمام مسائلی که برای نیابت مدخلیت داشته باشد پس محاکمه را پیش او بردن و تسلیم شدن در برابر حکمش واجب است».

و صاحب جواهر می نویسد: « لولا عموم الولاية لبقی كثير من الأمور المتعلقة بشيعتهم معطله فمن الغريب وسوسة بعض الناس في ذلك بل كأنه ما ذاق من طعم الفقه شيئاً و لا فهم من لحن قولهم و رموزهم امراً (جواهر الكلام، نجفی، ج ۲۱، ص ۳۹۷)؛ اگر ولایت عامه نباشد بسیاری از اموری که به شیعه متعلق است معطل می ماند و وسوسه بعضی از مردم در ولایت عامه از عجائب است بلکه گویا از طعم فقه چیزی را نچشیده است و از مفهوم قول فقها و رموزشان چیزی نفهمیده است».

و مرحوم نراقی می نویسد: « أن کلیه ما للفقیه العادل توکّیه و له الولاية فيه أمران احدهما: کل ما کان للنبي و الامام - الذین هم سلاطین الأنام و حصون الاسلام - فيه الولاية و کان لهم للفقیه ایضاً ذلك إلا ما أخرجہ الدلیل من اجماع اونصّ او غیرهما. ثانيهما: أن کل فعل متعلق بامور العباد فی دینهم او دنیاهم .... فهو وظیفه الفقیه وله التصرف فيه والاتیان به (عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، نراقی، ص ۵۳۶)؛ همانا آنچه که بعهدہ یک فقیه بوده و باید در آن ولایت داشته باشد دو امر است. یکی از آنها؛ این است که هر آنچه که برای پیامبر اسلام و امام علی (ع) - که پادشاهان مردم و دژهای اسلام هستند - است در آن برای فقیه هم ولایت است مگر چیزی که دلیلی از اجماع یا نص و یا غیر اینها آنرا خارج کند. دومین مطلب اینکه البته هرکاری که متعلق به امور بندگان در دین و دنیایشان است پس آن وظیفه فقیه بوده باید در آن تصرف کرده و بجا آورد».

امام خمینی (رض) می فرماید: «اگر فرد لایقی که دارای این دو [علم به قانون و عدالت] خصلت باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در اداره جامعه داشت دارا می باشد. و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع) بود یا اختیارات حکومتی حضرت علی (ع) بیش از فقیه است باطل و غلط است» (ولایت فقیه، امام خمینی (رض)، ص ۵۰).

شهید مصطفی خمینی (رض) می نویسد: « أن الفقيه الجامع له الرئاسة الكلية على جميع الشؤون السياسية في مملكة الاسلام و يكون له إفتاء المصالح الشخصية حذاء المصالح العالية النوعية فله التصرفات في اموال الناس و له السلطنة على أنفسهم عند اقتضاء الحاجة النوعية ذلك (ولاية الفقيه، سيد مصطفی خمینی (رض)، ص ۵۹)؛ البته که ریاست عام و کلی بر تمام شئونات سیاسی در مملکت اسلامی برای فقیه جامع شرایط است و فقیه حق تصرف در اموال مردم را دارد و فقیه حق حکومت بر مردم دارد موقعی که نیاز عمومی جامعه اقتضاء کند».

نکته: ممکن است گفته شود که این ریاست عامه برای تمام فقهاء است پس مخصوص ولی فقیه نیست در جواب باید گفت که وقتی فقیهی با آراء عمومی مردم به ریاست رسید فقط آن حق ولایت را داراست و نمی شود در یک مملکت چند حکومت دائر باشد زیرا حرج و مرج پیش می آید.

نتیجه: طبق نظر فقها باید تمام مسائل مورد تنفیذ ولی فقیه قرار گیرد وگرنه مشروع نخواهد شد و موضوع خمس هم خارج از این قاعده نیست.

### دلیل ششم:

خمس یکی از منابع مالی حکومت اسلامی است و باید با اجازه ولی فقیه در اداره مملکت هزینه شود.

طبق این نظر، خمس به شش قسمت تقسیم نمی شود بلکه اختیار همه خمس بدست ولی فقیه است و مصارف خمس که در آیه آمده است جزو عاقله های حکومت اسلامی است و باید حکومت به آنها برسد.

مؤیدات و شواهدی که در مورد دلیل ششم هست عبارتند از:

۱- شباهتی که بین آیه خمس و آیه فیسئ وجود دارد نشان از این است که خمس حق حکومت است پس ولی فقیه با صلاحدید خودش باید در اداره مملکت مصرف

کند. (با اقتباس از تفسیر آیات الاحکام، زین العابدین قربانی، ج ۴، ص ۳۶).

۲- احادیثی داریم که دلالت می کند به اینکه خمس حق امامت و رهبری است این موضوع در دلیل دوم مورد بحث قرار گرفت.

۳- چگونه ممکن است موارد وجوب خمس از آن یک طایفه باشد در حالی که ممکن است یک مورد از موارد وجوب خمس خیلی فراتر از مخارج آنان باشد. پس حق تصمیم گیری باید بدست ولی فقیه باشد تا در هر جا نیاز اداره جامعه باشد. صرف کند. (با اقتباس از همان).

۴- نظر بعضی از فقهای که دلیل ششم را مورد تایید قرار داده است عبارتند از: امام خمینی (رض) می فرماید: «النصف من الخمس الذی للأصناف الثلاثة المتقدمة أمره بید الحاکم علی الأقوی، فلا بد إما من الايصال اليه او الصرف باذنه و أمره كما ان النصف الذی للامام علیه السلام امره راجع الى الحاکم فلا بد من الايصال اليه حتى يصرّفه فيما يكون مصرفه بحسب نظره و فتواه او الصرف باذنه فيما عين له من المصروف (تحریر الوسیله، امام خمینی (رض)، ج ۱، ص ۳۲۹)؛ نصف خمسی که برای سه قشر (یتیمان، مساکین و ابن سبیل) که بحثش گذشت بنابر قول اقوی صرفش بدست حاکم اسلامی است پس باید بدست حاکم اسلامی برسد و یا با اذن و دستور آن صرف شود همانطوری که نصف خمسی که برای امام علی (ع) است مربوط به حاکم اسلامی است پس باید بدست حاکم اسلامی برسد در محل مورد نظر آن صرف شود یا با اجازه آن در محلی که مشخص کرده است مورد استفاده قرار گیرد».

آیت الله فاضل در این مورد می نویسد: «وفی زمن الغیبة الکبری کرماننا هذا یجب بمقتضى ادلة الولاية العامة و النيابة كذلك الايصال الى النائب العام او الصرف باذنه فيما عين له من المصروف (الخمس و الانفال، فاضل لنکرانی، ص ۲۶۷)؛ و در زمان غیبت کبری مثل زمان ما، به مقتضای ادله ولایت عامه و نیابت، رساندن خمس به نائب عام یا صرف کردن خمس با نظری که نائب عام مشخص کرده است واجب است».

شیخ انصاری می گوید: «و بالجمله فلا اشکال فی ذلك [لا یجب ان یدفع الی کل منهم سهما من کل صدقة فجعل الخمس کجعل الزکاة] للمتبع فی الاخبار مع تأمل فیها و

ان المقصود رفع حاجه جميع الطوائف و لو بأن يعطى تمام خمس مال لبعض و تمام آخر لآخر على ما هو المعلوم من ملاحظه اصل تشریح الخمس والزكاة سيما اذا لاحظ السيره المستمره بين الناس (كتاب الخمس، شيخ انصاری، ص ۳۰۹)؛ و در کل اشکالی در این مطلب نیست [ از هر صدقه ای برای هر کسی، دادن سهمی واجب نیست پس خمس را همانند زکات قرار داده است ] برای شخصی که در اخبار تتبع کند و تأمل در آنها داشته باشد و هدف از خمس رفع نیاز تمام طوائف است و لو اینکه تمام خمس، مالی برای بعضی پرداخت شود و تمام خمس مال دیگری برای شخص دیگر عطا شود. این مطلب بنا بر آن چیزی است که از اصل تشریح خمس و زکات معلوم است مخصوصاً با توجه به سیره دائمی که بین مردم بوده است».

## فهرست منابع:

- ۱- قرآن.
- ۲- امام خمینی (رض)، تحریر الوسیله، ج ۱.
- ۳- امام خمینی (رض)، صحیفه نور، ج ۲۰.
- ۴- امام خمینی (رض)، ولایت فقیه، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام (رض).
- ۵- جمعی از نویسندگان زیر نظر محمود فتحعلی، درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رض)، نوبت و تاریخ چاپ تابستان ۱۳۸۷.
- ۶- حائری تهرانی میرسیدعلی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، شیعی، ناشر دارالکتب الاسلامیه، سال چاپ ۱۳۷۷ ش، ج ۵، ص ۹۳.
- ۷- حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، (چاپ قدیم، ج ۶)، ناشر: مؤسسه آل الیت علیهم، نوبت چاپ اول، مکان چاپ قم، ۲۹ جلدی، محقق: گروه پژوهش مؤسسه آل الیت.
- ۸- دخیل علی من محمدعلی، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، قرن چهاردهم، مذهب شیعی، ناشر: دارالتعارف للمطبوعات، مکان چاپ بیروت، سال چاپ ۱۴۲۲ق، نوبت چاپ دوم.
- ۹- زین العابدین قربانی لاهیجی، تفسیر جامع آیات الاحکام، ناشر: سایه، تاریخ چاپ ۱۳۸۰ ش، چاپ دوم، چاپ: چاپخانه نگارش.
- ۱۰- سید مصطفی خمینی (رض)، ولایت الفقیه، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رض)، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رض)، وفات ۱۳۹۸ ه. ق.
- ۱۱- شیخ انصاری مرتضی بن محمد امین، کتاب الخمس، ناشر: کنگره جهانی بزرگ داشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، تاریخ وفات ۱۲۸۱ ه. ق.
- ۱۲- عاملی علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قرن یازدهم، شیعه، ناشر دارالقرآن الکریم، مکان چاپ قم، سال چاپ ۱۴۱۳ ق، نوبت چاپ: اول، تحقیق شیخ مالک محمودی.
- ۱۳- فاضل لنکرانی محمد موحدی، الخمس و الانفال (تفضیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله)، ناشر: مرکز فقهی ائمه اطهار، نوبت چاپ: اول، ۱۴۲۳ ه. ق، محققین: حسی واثقی، عباداله سرشار، زین العابد احمدی.
- ۱۴- محقق کرکی، رسائل المحقق الکرکی، ناشر: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی و دفتر نشر اسلامی، چاپ اول، تاریخ نشر ۱۴۰۹ ه. ق.
- ۱۵- نجفی محمدحسن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ناشر: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، مصحح: شیخ عباس قوچانی.

آیا خمس از شئونات ولی فقیه است ؟

---

۱۶- نراقی مولی احمد بم محمد مهدی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل  
الحلال و الحرام، وفات ۱۲۴۵ ه. ق.